

نگرشی بر شیوه‌های سازمان‌دهی سیاسی فضا و قدرت در جامعه ایران باستان و یونان باستان

زهرا پیشگاهی‌فرد* - دانشیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

عبدالرسول سنبلی - کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۸۶/۷/۱۵ تأیید نهایی: ۱۳۸۷/۹/۶

چکیده

از زمان شکل‌گیری نخستین حکومت‌ها که به صورت قبیله‌ای اداره می‌شدند، تا حکومت‌های مدرن امروزی به نوعی می‌توان سازمان‌دهی سیاسی فضا و قدرت را در آنها مشاهده کرد. سازمان سیاسی فضا به مطالعه تقسیم‌بندی‌های کالبدی و فضایی می‌پردازد، در حالی که سازمان سیاسی قدرت، علاقه‌مند به مطالعه پراکندگی قدرت از مرکز به پیرامون است. در یونان باستان، سازمان‌دهی سیاسی فضا مبتنی بر نوعی نظام حکومت شهری بود که ابتدا در سرزمین‌های فینیقیه و سومر وجود داشت و به تدریج در یونان متکامل گردید. با مطالعه منابع تاریخی، دیگر نمی‌توان وجود عوارض جغرافیایی مانند رودخانه‌ها، کوه‌ها و خلیج‌ها را علت شکل‌گیری نظام حکومت شهری دانست، بلکه نظام حکومت شهری را باید در تعصبات قومی و قبیله‌ای جست‌وجو کرد. در نظام حکومت شهری یونان به علت وسعت کم قلمرو، پراکنش قدرت به صورت افقی صورت گرفته بود. در ایران باستان با وجود اقوام متعدد، جمعیت زیاد و قلمرو وسیع، سازمان‌دهی سیاسی فضا مبتنی بر فدرالی از ساتراپ‌های گوناگونی بوده، که این واحدها بر تفاوت‌های منطقه‌ای ویژه‌ای استوار بوده‌اند. بنابراین خاستگاه فدرالیسم که امروزه جغرافیایی‌ترین رژیم در میان نظام‌های سیاسی به‌شمار می‌آید، در ایران باستان است. پراکندگی قدرت در ایران باستان به صورت عمودی و از پادشاه شروع و تا حاکم شهرها ادامه داشته است. این دو مقوله، یعنی سازمان‌دهی سیاسی فضا و قدرت امروزه دو موضوع مهم در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک به‌شمار می‌آیند، و از آنجا که این دو رشته سابقه چندانی - دست‌کم به صورت رشته‌ای مستقل و تفکیک‌شده از سایر رشته‌ها - ندارند لازم است برای پیگیری بسیاری از مفاهیم مهم این دو رشته، مطالعه و رهیافتی تاریخی انتخاب گردد. حال چگونه می‌توان با مطالعه منابع تاریخی، سازمان‌دهی سیاسی فضا و قدرت را در دو جامعه متفاوت یونان باستان که از حد حکومت-شهر فراتر نمی‌رفته و ایران باستان که شامل اقوام و ملت‌های گوناگون بوده است، با یکدیگر مقایسه کرد و مورد کنکاش قرار داد؟

کلیدواژه‌ها: سازمان‌دهی سیاسی فضا و قدرت، حکومت - شهر، ساتراپ، فدرالیسم.

مقدمه

جغرافی‌دانان سیاسی، امروزه صاحب رشته‌ای شده‌اند که سابقهٔ چندانی - دست‌کم به‌صورت رشته‌ای مستقل و تفکیک‌شده - ندارد. بنابراین پیگیری بسیاری از مفاهیم جغرافیای سیاسی و ژئوپلتیک نیازمند رهیافتی تاریخی است. شکل‌گیری مفاهیمی همچون دولت، سرزمین، کشور و قدرت نیازمند مطالعهٔ عمیق تاریخ است، تا بتوان این مسائل را ریشه‌یابی کرد. پس باید پذیرفت که تاریخ نهان‌خانهٔ جغرافیای سیاسی و ژئوپلتیک است.

ساختار سیاسی فضا بیانگر ماهیت و نحوهٔ استقرار عناصر کالبدی بُعد فضایی کشور است (حافظنیا، ۱۳۸۱، ۲۸۲). این عناصر عبارت‌اند از محدوده‌های سیاسی و تقسیمات کشوری که در توزیع قدرت سیاسی و اجرایی در کشورهای مختلف، از الگوهای متفاوتی پیروی می‌کنند (همان، ۴۲۲). این سازمان‌دهی سیاسی فضا و قدرت نیز به‌طور اتفاقی شکل نگرفته، بلکه در طول زمان ظهور یافته و متکامل گردیده است. سازمان‌بندی‌های فضایی امروزه که از آنها با نام تقسیمات کشوری یاد می‌شود و در رژیم‌های مختلف متمرکز، فدرال، و ناحیه‌ای متفاوت است، به‌نوعی در حکومت‌های باستان پایه‌ریزی شده و متکامل گردیده است.

هدف از نوشتار حاضر، پاسخ به این مسئله است که دو حکومت باستانی ایران و یونان چگونه فضای سرزمینی‌شان را سازماندهی می‌کردند، با توجه به این امر که یکی وسعت قلمروش از حد حکومت - شهر فراتر نمی‌رفته است و دیگری - یعنی ایران - ۴۶ قوم مختلف را در زیر یک چتر جمع‌آوری کرده بود. علاوه بر این، مفاهیمی همچون حکومت - شهر، ساتراپ، و فدرالیسم نیز که در این دو حکومت باستانی شکل گرفته‌اند، در این مقاله روشن می‌گردند.

روش تحقیق

روش تحقیق با توجه به ماهیت موضوع، روش تاریخی؛ و شیوهٔ جمع‌آوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای است.

نظام حکومت - شهری و خاستگاه آن

عقیدهٔ عمومی، یونان را خاستگاه شکل‌گیری دموکراسی در چارچوب نظام حکومت - شهری می‌داند و حتی برای این گفته، دلایل جغرافیایی نیز آورده است. اما در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که صدها سال قبل از شکل‌گیری نظام حکومت - شهری در یونان باستان این نظام در سومر، بابل و فینیقیه ظهور یافته بود و بعد به یونان منتقل گردید. این مطلب به‌صراحت در کتاب ویل دورانت بیان شده است (مجتبائی، ۱۳۶۵، ۲۲۵).

اکثر کتاب‌های جغرافی، علت شکل‌گیری نظام حکومت - شهری در یونان باستان را نتیجهٔ وجود عوارض جغرافیایی نظیر رودخانه‌ها دانسته‌اند، درحالی‌که منابع تاریخی عوامل مهم‌تری را برای شکل‌گیری نظام حکومت - شهری برشمرده‌اند، که به واقعیت نزدیک‌تر است. ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن، اختلافات سیاسی و اقتصادی و از همه مهم‌تر تعصبات قومی و نژادی را علت شکل‌گیری این نظام معرفی کرده و برای گفتهٔ خویش نیز دلیل مستند آورده است.

دو شهر تب^۱ و پلاتایا^۲ هر دو در یک دشت واقع شده بودند و هیچ‌گونه عارضه جغرافیایی خاصی آنها را از یکدیگر جدا نمی‌کرد، ولی این دو شهر نهایت اختلاف و بیگانگی را در مقایسه با هم داشته‌اند و مانند دو شهر در دو صف مرزهای متخاصم با یکدیگر برخورد می‌کردند (همان، ۲۲۴).

بنابر آنچه از مطالعات منابع موثق تاریخی می‌توان به دست آورد باید علت شکل‌گیری نظام حکومت - شهری را عدم تفاهم و نرسیدن به وحدت‌نظر درخصوص اداره سرزمین دانست و نمی‌توان نظام حکومت - شهری را نماد پیشرفت و مدنیت جامعه قدیم یونان برشمرد، چراکه همین نظام حکومت - شهری جدایی سیاسی و اقتصادی را آن‌چنان میان نواحی مختلف تقویت کرد که سبب ایجاد جنگ‌های داخلی شدید گردید. پس نظام حکومت - شهری را باید صورت تکامل‌یافته جامعه روستایی قلمداد کرد که هنوز در مرحله اول شکل‌گیری و سازمان‌دهی فضا قرار داشته‌اند.

دموکراسی یونان و مجمع آپلا

مطالعه درخصوص حکومت مردم یا همان دموکراسی باید با احتیاط و دقت بسیار همراه باشد، زیرا این مورد یکی از برجسته‌ترین تجربه‌های تاریخ حکومت‌ها به‌شمار می‌آید. در اینجا به دو نکته اشاره می‌شود. نخست اینکه، آیا در یونان باستان حکومت دموکراتیک وجود داشته و آیا این حکومت با دموکراسی امروزی قیاس‌شدنی بوده است؟ دوم، در یونان باستان چه کسانی حق انتخاب شدن و انتخاب کردن داشته‌اند؟

در مورد پرسش اول، به‌هیچ‌عنوان نمی‌توان بدون استناد به منابع تاریخی موجود اظهارنظر کرد، ولی باید به این نکته اشاره داشت که تصور کردن دموکراسی یا همان حکومت مردم، به‌شیوه امروزی در یونان باستان تصویری خام و اشتباه است که برخی مورخان و یونان‌شناسان - از جمله همیلتون - آن را تبلیغ کرده‌اند.

برای روشن شدن دموکراسی یونان باستان، هر دو حکومت - شهر آتن و اسپارت مورد بررسی قرار گرفته است. عنصر دموکراتیک که در نظام حکومت - شهری اسپارت وجود داشته، همان جمع عمومی یا آپلا^۳ است که تنها شهروندان - یا به قول خود یونانیان شاروندان - می‌توانستند پس از ۲۰ سالگی به این مجمع راه بیابند. شهروند از دیدگاه اسپارت به فردی اطلاق می‌شد که از پدر و مادر اسپارتی زاده شده بود. بنابراین، طبق گفته ویل دورانت از جمعیت ۳۷۶ هزار نفری اسپارت تنها ۸ هزار تن حق رأی داشتند (مجتبائی، ۱۳۶۵، ۹۸). در حکومت - شهر آتن از جمعیت ۴۰ هزار نفری ۲۵ هزار نفر برده بودند و از ۱۵ هزار نفر باقی‌مانده تنها عده محدودی می‌توانستند به مجمع عمومی راه بیابند.

اظهارنظر مورخان و اندیشمندان درخصوص دموکراسی یونان باستان متناقض و متفاوت است. از یک طرف افرادی نظیر هانری برگسن معتقدند که دموکراسی شهرها و شهرستان‌های کهن اولیه یونان باستان، دموکراسی‌ای قلابی و دروغین است و این نظام براساس برده‌داری استوار شده بود، و این شهرها گرفتار بی‌انصافی و ستمگری بنیادین بوده‌اند. شاید گفته برگسن تا حدودی درست باشد، چرا که خود ویل دورانت در مورد دموکراسی یونان و نقش زنان چنین آورده

1. Thebai
2. Platai
3. Apela

است: زنان در دموکراسی یونان نقش مؤثر و برابری نداشتند و یونان هرگز مسئله جنسیت و مشارکت سیاسی مردان به صورت انحصاری را رها نکرد و حتی گاه از وجود زنان به منظور اشباع غرایز عمومی و فدیۀ خدایان استفاده می‌کردند (زریاب خوئی، ۱۳۶۹، ۷۲).

اما این گونه نظرها تا حدودی افراطی است و باید منابع دیگر تاریخی را نیز مطالعه کرد. آنچه از مطالعه منابع دیگر برمی‌آید، تاحدودی دموکراسی ناقص را در یونان باستان تأیید می‌کند. به عنوان مثال در کتاب «درآمدی نظری بر تاریخ دموکراسی» چنین آمده است: دموکراسی را در شکل‌های ناقص و ابتدایی از حدود هشت قرن قبل از میلاد می‌توان در یونان سراغ گرفت، ولی باید توجه داشت که در یونان باستان مشروعیت و مقبولیت و آزادی به هیچ عنوان مطرح نبوده است و تنها واژه‌ای که آن هم به صورت ضعیف مطرح بوده واژه برابری است (بهشتی، ۱۳۷۵، ۲۰۲).

به رغم وجود نوعی دموکراسی ناقص، یونان باستان بیشتر محل نزاع نظام‌های فئودالیتیه بوده و دموکراسی یا حاکمیت مردم نمی‌توانسته است باعث شکل‌گیری حکومتی گردد که بر خواست آحاد مردم استوار باشد. اگرچه تاحدودی دموکراسی نسبی و ضعیفی شکل گرفته بود، اما به دلیل نداشتن ابزارهایی چون مجلس، پایایی و دوام نداشته است. در یونان باستان از دموکراسی به مثابه حزب یاد می‌شود و دموکراسی به مفهوم نظام سیاسی معنی ندارد (همان، ۲۰۳).

آنچه باید بدان توجه داشت این حقیقت است که حکومت - شهری بودن نظام سیاسی یونان در میانه هزاره نخست پیش از میلاد، ناشی از دموکراتیک اندیشیدن تمدن یونانی نبود بلکه علت اصلی آشنا نبودن یونان آن دوران با مفهوم ملت^۱ و کشور چندشهری^۲ بود. این در حالی است که مفاهیم مذکور در ایران در میانه هزاره نخست پیش از میلاد شکل گرفت و تداوم پیدا کرد. یکی از دلایل برداشت نادرست از شیوه حکومت و مدیریت سیاسی ایران باستان همان است که پرفسور ایلین آن را ناآگاهی فرزندان غرب از تاریخ تمدن ایران نام نهاده و پرفسور فیلیپونی - رنکنی آن را ناشی از این حقیقت دانسته است که تمدن ایرانی از راه فرهنگ‌های واسطه به غرب رسید و رنگ و بوی غربی پیدا کرد (مجته‌دزاده، ۱۳۸۶، ۸۵).

حال چنین می‌توان استنباط کرد که همین عامل دموکراسی یونانی که بر اختصاصی و انحصاری بودن تأکید داشت، دو مشکل اساسی را در مقابل نظام حکومت - شهری قرار داده بود. نخست اینکه تمامی افراد حق مشارکت در جامعه حکومت - شهری را نداشتند و همین امر عامل شکاف اجتماعی را در بین مردم تقویت کرده بود که می‌توان آن را جنبه منفی دموکراسی در بُعد داخلی حکومت - شهرها ارزیابی کرد. دوم اینکه همین دموکراسی مانع اتحاد با دیگر حکومت - شهرها در یونان باستان شده بود و در حقیقت به عنوان مانع اتحاد در کنار سایر عوامل می‌توان آن را جای داد.

طبقات اجتماعی در یونان باستان

مردم از لحاظ سیاسی به سه طبقه اسب‌داران، گاوداران و کارگران تقسیم می‌شدند، که فقط دو طبقه اول حق شهروندی داشتند. و از لحاظ اقتصادی هم به سه طبقه اشراف، خاندان‌های اصیل، و بازرگانان و کشاورزان تقسیم می‌شدند، که تنها

1. Nation

2. Multi-city

دو طبقه اول در شهر زندگی می‌کردند. قوانین اجتماعی براساس پیوستگی خونی استوار بوده است. بزرگ‌ترین واحد اجتماعی در جامعه یونان باستان قبیله بوده که متشکل از سه تیره هر تیره شامل ۳۰ طایفه و هر طایفه شامل ۳۰ خانوار بوده است. در جامعه یونان باستان، سابقه بر قانون مسلط است زیرا سابقه چیزی جز رسم نیست و رسم و عادت برادر ارشد و حسود قانون است (آریان‌پور، ۱۳۴۹، ۱۹۴).

جنگ‌های پلوپونزی و راهبرد اردشیر

از زمان بازگشت خشایارشا از یونان که در انتقام به جنگ مارتن صورت گرفته بود، در حدود ۵۰ سال می‌گذشت که آتش جنگ‌های پلوپونزی بین اتحادیه‌های یونان آغاز شد. آغاز این جنگ‌ها در حدود ۴۳۲ ق.م. بود و تقریباً ۵۰ سال طول کشید. بیشترین نفع این نبردهای فرساینده عاید شاهنشاهی هخامنشی گردید، به این ترتیب که هریک از طرفین که ضعیف می‌شد ایران به آنها گرایش می‌یافت و کمک می‌کرد تا این جنگ‌ها ادامه یابد تا هخامنشیان بتوانند منافع‌شان را در مرزهای غربی‌شان بی‌دغدغه و بدون جنگ و خونریزی حفظ کنند. ایران بعد از جنگ‌هایی که در زمان خشایارشا صورت گرفته بود، سیاستش را در برابر یونان تغییر داد و به‌جای سرباز، سکه‌های طلا روانه اتحادیه‌ها می‌ساخت و به‌نوعی حتی از پیروزی یکی از آنها جلوگیری می‌کرد (بیانی، ۱۳۸۱، ۱۴).

این جنگ‌ها و نقش پادشاهان هخامنشی تقریباً در تمام منابع تاریخی ذکر شده‌اند. همیلتون معتقد است که دو حکومت - شهر آتن و اسپارت متوجه این نکته بودند که یک کشور آسیایی نقش بسیار مهم و مؤثری در تداوم جنگ‌های آنها دارد، زیرا کشور مذکور بی‌نهایت وسیع و نیرومند بود و چون به‌دنبال متصرفات در اروپا بود، سکه‌های طلای خویش را برای ضعیف کردن هرچه بیشتر حکومت - شهرها روانه این سرزمین‌ها می‌ساخت (تهرانی، ۱۳۵۳، ۷۲۳). مطالعات باستان‌شناسی در شمال غرب آسیای کوچک و تنگه داردانل تا حدودی گفته‌های این مورخان را تأیید می‌کند. به‌عنوان نمونه در سال ۱۷۳۹، تعداد ۳۰۰ سکه طلای ایران در نزدیکی تنگه داردانل کشف شد و علاوه بر این، نمونه‌های متعدد باستان‌شناسی دیگری کشف گردید، که دخالت امپراتوری هخامنشی را از طریق سربازان طلایی در نظام حکومت - شهرهای یونان تأیید می‌کند (مهرآبادی، ۱۳۸۲، ۴۰۷).

شکل‌گیری قانون و انقلاب سولون

باستانی‌پاریزی در کتاب «حکومت آتن» آورده است که دراکون اولین قانون مدون آتن را پی گذاشت، که این واقعه مربوط به سال ۶۲۱ قبل از میلاد است. قوانین دراکون آن قدر سخت و شدید بود که مردم آتن معتقد بودند قوانین او با خون نوشته شده‌اند تا مرکب. وی کوچک‌ترین خطاها را به اعدام محکوم می‌کرد و هنگامی که از او خواسته شد تا جرایم کوچک را به اعدام محکوم نکند، گفت به عقیده من مرگ تنها راه حل است.

آنچه به‌طور واضح از مطالعه منابع تاریخی در زمینه قانون در یونان باستان می‌توان استنتاج کرد این است که قانون جنبه تشریفاتی داشته و تخطی از آن بعد از دوره دراکون فقط برای بردگان همراه با مجازات بوده و برابری افراد در مقابل قانون تنها در حد شعار عمل می‌کرده است. حتی ارسطو معتقد به این امر بود که در نظام حکومت - شهری شماری اندک

می‌توانستند به یگانگی و برابری کامل دست یابند، چراکه بیشتر مردم فقط برای کار و حتی بردگی آفریده شده‌اند (بهشتی، ۱۳۷۵، ۲۱۶) و در همین جاست که هگل دموکراسی و برابری افراد در مقابل قانون را از دریچه انقلاب فرانسه و آرمان برخاسته از آن می‌داند.

آنچه یونان بعد از دراکون از قانون به ارث برد، جنگ طبقاتی و درگیری گسترده‌ای بود که به‌طوری باورنکردنی گسترش یافت. در این حوادث، نمایندگان طبقات متوسط در سال ۵۹۴ ق.م. نزد «سولون» آمدند که به پیشدادی و رعایت انصاف مشهور بود. انقلاب سولون در واقع معجزه‌ای امیدبخش در تاریخ یونان باستان قلمداد می‌شود، چراکه او توانست قانون اساسی جدیدی را برای کشور پایه‌ریزی کند. سولون با قانون خاص خود که به قانون سی ساخته^۱ معروف شد، تاحدودی جنگ بین طبقات را آرام کرد و سکه‌هایی را رواج داد و حق رعیت را به رسمیت شناخت، اما بلافاصله بعد از مرگش چنان دیکتاتوری به‌وجود آمد که دوباره جامعه آتن درگیر جنگ‌های داخلی شد (آریان‌پور، ۱۳۴۹، ۱۹۹). بنابراین برطبق روایات مستند تاریخی، شکل‌گیری حکومت فراگیر یا حتی نیمه‌فراگیر در یونان باستان سابقه ندارد و آنها به‌قدری درگیر اختلاف نژادی، قبیله‌ای و طایفه‌ای بودند که مانع از آن می‌شد که به وحدت نظر برسند.

شکل‌گیری اولین حکومت ایرانی (مادها)

در سال ۷۱۵ ق.م. عده‌ای از کسانی که تحت اشغال‌گری آشور بودند دست به قیام زدند و در میان متحدین شخصی به‌نام دی‌اوکو به چشم می‌خورد. هردوت او را با نام یونانی دیوکس معرفی می‌کند، که به‌عنوان بنیان‌گذار سلسله پادشاهی ماد شناخته می‌شود. قبل از دی‌اوکو به‌گفته هردوت، مردمان در قبیله‌های متعددی زندگی می‌کردند و دیوکس مردی بود که با شایستگی تمام، به‌عنوان نماینده روستای خویش به داوری بین ساکنان منطقه خود می‌پرداخت و با توانایی‌هایی که از خود نشان داد، سبب جلب نظر جوامع همسایه نیز گردید و سرانجام کار به جایی رسید که او یگانه پناه مردم قلمداد شد. مردم ماد به نزد دی‌اوکو رفتند و از او خواستند که رهبری جامعه آنها را برعهده بگیرد. هردوت این ماجرا را دقیق‌تر نقل می‌کند و معتقد است که شیوه انتخاب دی‌اوکو به‌عنوان رهبر، از شیوه‌های برگزیدن حاکم به‌وسیله یونانیان دموکراتیک‌تر بوده است، چراکه در حکومت - شهرها تنها نمایندگان مردم حضور داشتند و نه همه مردم، اما در انتخاب دی‌اوکو تمامی ساکنان منطقه و با رضایت تمام، خواستار حاکمیت دی‌اوکو شدند (مهرآبادی، ۱۳۸۲، ۳۲۸). دی‌اوکو بعد از رسیدن به قدرت، شهر هنگ‌مته یا هگمتانه، همدان امروزی را به‌عنوان پایتخت برگزید و پادشاهی ماد را در سال ۷۰۸ قبل از میلاد بنیان‌گذاری کرد.

شیوه حکومت مادها

آنچه از مطالعه منابع تاریخی و متن‌های میخی می‌توان استنباط کرد این است که مادها نظام و دولت متمرکزی نبوده‌اند که در تمام مناطق تحت سلطه خویش بتوانند حاکمیت کامل داشته باشند. دیاکونوف معتقد است که شیوه حکومت مادها را باید فتودالی نامید (رجب‌نیا، ۱۳۸۰، ۱۲۹).

ساتراپ‌های مادی از ساتراپ‌هایی که بعداً به‌دست هخامنشیان ایجاد گردید کوچک‌تر و تاحدودی خودمختارتر بودند. در کتاب «تاریخ ایران باستان» آمده است که حکومت ماد از ۱۰ ساتراپ تشکیل شده بود. علاوه بر این، دولت ماد فرمانروایان متعدد داشت و نظام تمرکز آن نسبتاً ضعیف بود، تا آنکه داریوش اول در زمان هخامنشیان حکومتی متمرکز و مبتنی بر ساتراپ‌های مختلف را تأسیس کرد؛ این واقعه در سال ۵۲۲ ق.م. بوده است (خدادادیان، ۱۳۸۳، ۵۲۲). آنچه به طور کلی می‌توان در خصوص دولت ماد مطرح کرد این است که دولت ماد به‌عنوان اولین سازمان سیاسی فضای ایران محسوب می‌شود که به زبان ایرانی سخن گفته‌اند (رضایی، ۱۳۸۱، ۲۰۷).

ساتراپ‌های هخامنشیان یا فدرالیسم باستانی

تقسیمات کشوری ایران به استان، از قدیمی‌ترین روزگاران با نام ساتراپ‌ها شهرت یافته است و هرودت واژه ساتراپ را متعلق به دوران هخامنشیان می‌داند و این واژه به‌جای سرزمین، استان، دولت و کشور به‌کار می‌رفته است. ساتراپ‌های زمان هخامنشیان نظیر ایالت‌های خودمختار امروزی بودند که نایبان و اطرافیان مورد اعتماد شاه آنها را اداره می‌کردند. حوزه نفوذ هر ساتراپی بین دو نفر تقسیم شده بود. نفر اول همان والی بود که یونانیان او را ساتراپی و ایرانیان خستریاوان می‌نامیدند؛ که معنی امروزی آن همان فرماندار است. در ضمن برای آنکه از تمرکز قدرت در دست فرد واحد جلوگیری شود و ساتراپی‌ها به فکر جدایی نیفتند، یک نفر دیگر به‌عنوان دبیر بر کار خستریاوان یا ساتراپی نظارت داشت و دبیران به‌عنوان بازرس و چشم و گوش شاه بودند که حق هرگونه اظهارنظری را در مورد ساتراپ‌ها داشتند (رضایی، ۱۳۸۱، ۲۵۶). ساتراپ‌ها در امور دینی، فرهنگی، زبانی و حتی اقتصادی تا حدود زیادی مستقل بودند و تنها در زمینه خراج، سربازگیری، وسایل نظامی و امنیتی تابع حکومت مرکزی می‌شدند (ثاقب‌فر، ۱۳۸۵، ۹۳).

آنچه از شاهنشاهی هخامنشیان برجای مانده است، بیشتر به زمان داریوش مربوط می‌شود. در کتیبه بیستون، ایالاتی که تحت تابعیت قرار گرفته بودند ذکر شده و تعداد آنها ۳۳ ساتراپی عنوان شده است (بیانی، ۱۳۸۱، ۱۸۳). منابع دیگر تعداد ساتراپی‌ها را ۲۰ عدد دانسته‌اند (خدادادیان، ۱۳۸۲، ۳۵۳). دلیل این امر، آوردن چند نام با یکدیگر است که برخی تمامی اسامی‌ای را که همراه هم آورده شده یک ساتراپی و برخی دیگر هر یک از اسامی را یک ساتراپی محسوب می‌کردند. البته این بدان معنی نیست که ساتراپی‌ها تغییرناپذیر بودند. مثلاً در سده چهارم قبل از میلاد، ساتراپ‌های کوچک‌تر و حتی ساتراپ‌های جدیدی نیز شکل گرفت (ثاقب‌فر، ۱۳۸۵، ۹۵).

با مطالعه منابع تاریخی موثق اثبات شد که امپراتوری هخامنشی متشکل از ۴۶ قوم و از نژادهای مختلف و مذاهب گوناگون بوده است و هخامنشیان سیاست تسامح و آزادی‌های مختلف را در امور دینی، فرهنگی و زبانی در پیش گرفته بودند. بنابراین هخامنشیان، نظامی شاهنشاهی بودند که در قیاس با امروز کشور را به‌شیوه فدرالیسم اداره می‌کردند.

دستاوردهای تمدن هخامنشیان

به عقیده اغلب مورخان، نظام شاهنشاهی پارسی شایسته‌ترین تجربه در امر سازمان‌دهی فضا حتی در دنیای مدرن امروز قلمداد می‌شود. امپراتوری روم سهم بزرگی از دستاوردهای سیاسی، اداری، و ارتباطات شاهنشاهی قدیم ایران به ارث برد.

شاهکار بزرگ هخامنشی در زمینه اداره سرزمین و شاهراه‌هایی است که پایتخت‌ها را به هم متصل می‌ساخت (میرحیدر، ۱۳۸۲، ۷۳). در نظام شاهنشاهی هخامنشی آزادی به حدی بود که شاید در پیشرفته‌ترین رژیم‌های فدرال امروزی نیز نتوان آن را یافت.

مردم هر ناحیه، زبان، قوانین و دین خاص خود را داشتند، سازمان‌دهی سیاسی فضا در زمان داریوش اول به سر حد کمال خویش رسید و شاید بتوان امپراتوری روم را به نوعی همپایه این شاهنشاهی برشمرد (آرام، ۱۳۶۵، ۴۲). هخامنشیان با تقسیم سرزمین به ساتراپی‌های گوناگون، که هر یک سازمان اداری ویژه خود را داشت، در آن زمان به حکومت مفهوم جغرافیایی بخشیدند؛ یعنی ساختار سیاسی عمودی که سرزمین چهره افقی آن است. چنین بود که همراه این نخستین پدیده حکومتی، نخستین نظام فدراتیو نیز به معنای حقیقی پدید آمد (مجتهدزاده، ۱۳۸۶، ۱۶۹). در زمینه حقوق بشر و احترام به ادیان در بیشتر منابع تاریخی داخلی و خارجی آمده است که کوروش به هنگام فتح بابل شروع به پرستش و عبادت خدای یهودیان یعنی مردوک کرد. علاوه بر این، قوانین شاهنشاهی هخامنشی به دو دسته تقسیم می‌شد؛ یکی قوانین شاهی که در همه ایالت‌ها و ساتراپ‌ها دیده می‌شد و به آن دانه^۱ می‌گفتند، و دیگری قوانین محلی که در ساتراپ‌های مخصوص خود حاکمیت داشت و به آن دینو^۲ می‌گفتند (خدادادیان، ۱۳۸۳، ۴۰۱).

اشکانیان

پیش از پرداختن به دوره اشکانیان، باید توجه داشت که وقفه‌ای ۸۰ ساله در روند تاریخی سلسله‌های ایرانی به چشم می‌خورد. بعد از هخامنشیان و سقوط آنها، سلوکیه در ایران حاکم شد که کلاً تقسیمات کشوری‌شان تقلیدی بود از همان ساتراپی هخامنشیان. اما سلوکیان به دلیل ناتوانی اداره ساتراپ‌ها مجبور به کوچک‌تر کردن آنها شدند. نظام تقسیمات کشوری هخامنشیان درجه‌بندی ۳ گانه‌ای داشت، که عبارت است از ساتراپی، هیپرخاری، توپارخی (رجب‌نیا، ۱۳۸۰، ۲۵۲) و در رأس هر ساتراپ فردی بنام استراتگوس گمارده بودند و در رأس تقسیمات کوچک‌تر - هیپارخیا یا اپارخیا^۳ - شخصی به نام اپیارگوس^۴ حضور داشت (همان).

اشکانیان، تقسیمات فضایی و قدرت

منطقه جغرافیایی پارتیان، گرگان و خراسان را که به آن پرثوه می‌گفتند دربرمی‌گرفته است و نام پارت هم برگرفته از همان پرثوه است. به نقل از هرودت، پارتیان ۱۰ طایفه بودند که ۶ طایفه آنها یکجانشینان شهری و روستایی و ۴ نای آنها چادرنشین بوده‌اند (مهرآبادی، ۱۳۸۲، ۳۷۳).

از منابع متعدد می‌توان دریافت که رابطه میان ساتراپ‌ها و سرزمین‌های تابع شاهنشاهی پارتیان ضعیف بوده است، به طوری که حتی در برخی ساتراپ‌ها شاهان به اسم خویش سکه ضرب می‌کردند و حکومت مرکزی پارتی اختیارات

1. Data
2. Dinu
3. Eparchie
4. Epargus

گسترده‌ای را در اختیار ساتراپ‌ها قرار داده بود. البته نباید این را به معنی جدایی ساتراپ‌ها تصور کرد (رضا، ۱۳۷۶، ۲۱۵). به همین خاطر است که برخی، حکومت پارتیان را نظام ملوک‌الطوایفی برشمرده‌اند. پایتخت اول اشکانیان شهر نسا و پایتخت دوم آنها صدروزه بود که میان دامغان امروزی و شاهرود واقع شده بود و بالاخره پایتخت آخرشان تیسفون بوده است (رجب‌نیا، ۱۳۷۷، ۲۹۷).

مجالس دوگانه اشکانیان

در زمان حکومت پارتیان دو مجلس وجود داشت، یکی مجلس سنا و دیگری مجلس مهستان یا مغستان. مجلس سنا از شاهزادگان بالغ اشکانی و رؤسای هفت خانواده درجه اول کشور تشکیل می‌شد. مجلس مغستان از روحانیون درجه اول کشور تشکیل یافته بود و وظیفه داشت که از تصویب اموری که با اصول مذهبی و اساس نامه پارتیان مخالف بود، جلوگیری کند. درحقیقت مجلس مهستان را می‌توان، اولین پارلمانی برشمرد که حتی قدرت برکنار کردن شخص اول حکومت یعنی پادشاه را نیز داشت و تاریخ نمونه‌های متعددی از برکناری پادشاهان اشکانی را به دست مجلس مهستان نشان می‌دهد.

نمونه اول: فرهادم پنجم یا فرهادک، به دلیل اینکه در مقابل رومیان از ارمنستان صرف‌نظر کرد و حاکمیت آنجا را به رومی‌ها سپرد، از طرف بزرگان و نجبای ایرانی (مجلس سنا) از سلطنت خلع و کشته شد (مهرآبادی، ۱۳۸۲، ۶۹۸).
نمونه دوم: مهرداد سوم که از سلطنت او دو سال نگذشته بود، به دست مجلس مهستان برکنار شد و علت آن هم سختگیری، اعمال خشونت و بی‌رحمی بوده است (خدادادیان، ۱۳۸۳، ۱۳۰۳).

نمونه سوم: شیوه به حکومت رسیدن وتن یا اشک هفدهم کاملاً به صورت دموکراتیک بوده است و مجلس مهستان رأی داد که وتن به‌عنوان پادشاه به سلطنت برسد (مهرآبادی، ۱۳۸۲، ۶۹۸). به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت آنچه که عامل اصلی در حفظ و استمرار سلسله اشکانیان شناخته می‌شود، همان وجود دو مجلس کاملاً قدرتمندی بود که می‌توانستند بالاترین قدرت اجرایی را داشته باشند. در غیر این صورت، اشکانیان که اختیارات گسترده‌ای به ساتراپ‌ها داده بودند به‌هیچ‌عنوان نمی‌توانستند نزدیک به پنج قرن فرمانروایی کنند.

به‌هنگام بررسی تأثیر ایران باستان بر توسعه مفاهیمی همچون حکومت و مرز در اروپای قرون وسطی، می‌توان به اشارات کتب مقدس باختر زمین به شیوه کشورداری در ایران باستان و حرمت نهادن آنان به حقوق اقوام استناد کرد. ایرانیان با گسترده ساختار حکومتی فدراتیو ویژه خود که براساس ایده دادگری برای همه ایرانیان مشترک‌المنافع - از ملل مستقل تا فدراسیونی از کشورهای خودمختار - به‌وجود آمده بود، شاید زیربنای ضروری برای پدیدآمدن دموکراسی حکومتی یا حکومت دموکراتیک در اروپای قرون وسطی و پس از آن در عصر مدرنیته را فراهم آورده باشند (مجته‌دزاده، ۱۳۸۶، ۲۲۵).

ساسانیان و سفیر در نظام ساتراپی

در سال ۲۲۴ ق.م. اردشیر که خود را از نوادگان کوروش معرفی می‌کرد در معبد آناهیتا تاج‌گذاری کرد. انوشیروان پس از تحکیم سلطنت خویش کشور را به ۴ قسمت تقسیم کرد، که عبارت است از: یک، سرزمین خراسان و سیستان؛ دوم،

ناحیه همدان، نهاوند، کرمانشاه، اصفهان، قم، کاشان، ابهر، گرگان و طبرستان؛ سوم، پارس و خوزستان و کرمان؛ چهارم، عراق، یمن و شام که اصطلاحاً به هریک از این بخش‌ها یک پاژوکس می‌گفتند. پاژوکس عبارت است از سرزمینی بسیار وسیع که چند ساتراپ را شامل می‌شده است و پاژوکسیان به‌عنوان حاکم هر منطقه معرفی می‌شدند (رضا، ۱۳۷۶، ۲۴۲). از مطالعات منابع تاریخی آشکار می‌شود که اردشیر تا حدود زیادی از اختیارات ساتراپ‌ها کاست و حتی تا حدودی نظام ساتراپی را از بین برد. بنابراین فدرالیسم شکل گرفته در زمان هخامنشیان رفته‌رفته جایش را به نظامی متمرکز در زمان ساسانیان داد، بر وسعت ساتراپ‌ها افزوده گردید و آنها تبدیل به پاژوکس شدند اما از اختیارات‌شان کاسته شد. حتی در دوران حکومت خسرو پرویز، نظام پاژوکسی نیز تقریباً منحل گردید و نوعی تقسیمات جدید سرزمینی آغاز شد، که امپراتوری ساسانی را به ۴ قسمت تقسیم می‌کرد و از بالا به پایین عبارت بود از ایالت، استان، رستاق، و تسوج. البته این نوع تقسیم‌بندی بیشتر از دیدگاه نظامی و دفاعی مطرح شده بود (رجب‌نیا، ۱۳۸۰، ۵۳۰).

نتیجه‌گیری

نتایج برگرفته از پژوهش حاضر را می‌توان چنین برشمرد:

۱. خاستگاه نظام حکومت - شهری برخلاف نظر اغلب افراد، جامعه یونان باستان نبوده است و این نوع از حکومت صدها سال قبل در فینیقیه و سومر وجود داشت.
۲. علت شکل‌گیری نظام حکومت - شهری را نمی‌توان صرفاً عوامل جغرافیایی عنوان کرد، چراکه عوامل دیگری نظیر اختلافات قومی، نژادی و عقیدتی در این امر بیشترین سهم را داشته‌اند.
۳. دموکراسی به معنی امروزی در هیچ جامعه‌ای حتی یونان باستان وجود نداشته است و به‌علت کم بودن جمعیت در حکومت - شهرها تنها برخی از افراد که از پدر و مادر آزاد متولد شده بودند حق انتخاب داشته‌اند.
۴. حکومت ماد به‌عنوان نخستین سازمان سیاسی فضای ایران محسوب می‌شود که به زبانی ایرانی سخن می‌گفتند. به‌گفته منابع غربی - از جمله هرودت - پادشاهی ماد به‌شیوه کاملاً دموکراتیک در زمان خودش انتخاب شد.
۵. با مطالعه منابع موثق تاریخی، می‌توان حکومت هخامنشی را شاهنشاهی دانست که به شیوه فدرالیسم باستانی اداره می‌شده است.
۶. علت تداوم و استمرار حکومت اشکانیان، وجود دو مجلس قدرتمند سنا و مهستان بوده است که حق بالاترین تصمیم‌گیری - یعنی حتی برکناری شاه را داشته‌اند.
۷. شاهنشاهی ساسانی به تدریج از نظام فدرال به نظامی متمرکز تبدیل گردید.
۸. به‌طور کلی شیوه پراکنش قدرت در جامعه یونان باستان به‌صورت افقی شکل گرفته بود و این پراکندگی قدرت بین حاکم حکومت - شهر، جمع سالخوردگان، مجمع عمومی یا آپلا، و سران نظامی تقسیم شده بود. ولی در ایران باستان - به‌ویژه هخامنشیان - پراکنش قدرت به‌صورت عمومی صورت می‌گرفت، به گونه‌ای که از شاه شروع می‌شد و به ساتراپی‌ها، نماینده شاه، والی و مقامات پایین‌تر می‌رسید.

منابع

- آرام، احمد، ۱۳۶۵، مشرق زمین گهواره تمدن، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- بیانی، شیرین، ۱۳۸۱، تاریخ ایران باستان، انتشارات سمت، تهران.
- بهشتی، رضا، ۱۳۶۵، درآمدی نظری بر تاریخ دموکراسی، انتشارات قیام، تهران.
- پیگولوسیکا، ن.، ۱۳۷۶، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
- حافظنیا، محمدرضا، ۱۳۸۱، جغرافیای سیاسی ایران، انتشارات سمت، تهران.
- خدادادیان، اردشیر، ۱۳۸۳، تاریخ ایران باستان، انتشارات گلبرگ یکتا، تهران.
- رضائی، عبدالعظیم، ۱۳۸۱، تاریخ ده‌هزارساله ایران، انتشارات اقبال، تهران.
- فرای، ریچارد، ۱۳۸۰، تاریخ ایران باستان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، انتشارات سپند، تهران.
- فرای، ریچارد، ۱۳۷۷، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
- کالیکان، ویلیام، ۱۳۸۴، باستان‌شناسی و تاریخ هنر در دوره مادها و پارسی‌ها، ترجمه گودرز اسعد بختیار، انتشارات غزال، تهران.
- گریشوویچ، ایلیا، ۱۳۸۵، تاریخ ایران در دوره هخامنشیان، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران.
- مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۱، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیا، انتشارات سمت، تهران.
- مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۶، دموکراسی و هویت ایرانی، انتشارات کویر، تهران.
- میرحیدر، دره، ۱۳۸۲، مبانی جغرافیای سیاسی، انتشارات سمت، تهران.
- مهرآبادی، میتر، ۱۳۸۳، تاریخ کامل ایران باستان، انتشارات دنیای کتاب، تهران.
- دورانت، ویل، ۱۳۶۵، تاریخ تمدن، کتاب سوم، ترجمه فتح‌الله مجتبیایی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- دورانت، ویل، ۱۳۶۵، تاریخ تمدن، جلد دوم، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- دورانت، ویل، ۱۳۶۷، تاریخ فلسفه، ترجمه زریاب خوئی، انتشارات انقلاب اسلامی.
- دورانت، ویل، ۱۳۴۹، تاریخ یونان باستان و تمدن اژه‌ای، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، انتشارات اقبال، تهران.
- همیلتون، دلاریت، ۱۳۵۳، سیری در تاریخ و فرهنگ و ادب یونان باستان، ترجمه شهروز تهرانی، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- هرودت، ۱۳۴۱، تاریخ هرودت، ترجمه هادی هدایتی، جلد اول تا ششم، انتشارات دانشگاه تهران.

Eahricl, Alfons, 1974, **Die Religions Geographie Persian wien.**

Gersheviteh, Ilya, 1993, **The Cambridge history of Iran**, Vol. 2, cod, edition, Cambridge.

Herodot, 1961, **Historien**, 5Bed, Goldman- verlag, munschen.

Herzfeld, E., 1924, **Paikuli**, 2 Vol, Berlin.